

فهرست

1	فصل اول.....
1	بخش اول.....
1	المنجد.....
7	بخش دوم.....
7	مقائیس اللغة.....
7	التحقیق فی کلمات القرآن الکریم.....
7	معنای جامع.....
8	فصل دوم.....
8	آمار استعمالات در قرآن.....
9	استعمالات قرآنی.....
10	استعمالات روایی.....
15	فصل سوم.....
15	انذار در پرتوی تبلیغ.....
15	مقدمه.....
15	منذرين.....
16	ویژگی های مبلغ و منذر.....
16	1. استفاده از قرآن و شیوه تربیتی آن.....
18	2. لحن انذار.....
19	3. مراحل انذار.....
20	نکته پایانی.....
20	نتیجه گیری.....
21	کلمات کلیدی.....
21	فهرست منابع و مآخذ.....

فصل اول

(بررسی ماده نذر در لغت)

مقدمه فصل اول:

در فصل اول از پژوهش به دنبال این هستیم که معانی و استعمالات گوناگون ریشه ((نذر)) در ادبیات عرب را بررسی کنیم؛ چراکه بدون فهم معنای این ریشه در ادبیات عرب از فهم آیات و روایاتی که در این زمینه است نیز عاجزیم و باید خودمان معنای دقیق آن را به دست بیاوریم و متأسفانه در این زمینه نمیشود از ترجمه دیگران استفاده کرد زیرا ممکن است دقت های لازم لغوی را نداشته باشند و بدین منظور از سه معجم المنجد، مقائیس اللغة و التحقيق فی الکلمات القرآن الکریم استفاده شده است که در کتاب المنجد در کنار بررسی استعمالات به معنای کلی پرداخته شده است و برای به دست آوردن معنای جامع ریشه ((نذر)) به دو معجم بعدی مراجعه شد که در پایان به معنای جامع اشاره خواهد شد.

بخش اول

(استعمالات لغوی در معاجم لغت)

المنجد

ریشه نذر دو فضای معنایی کلی دارد:

فضای معنایی اول:

نَذَرَ

((نذر)) به معنای این است که چیزی که بر خودش واجب نیست را واجب کند

((نذر علی نفسه لله من مال کذا)): یعنی فلان مقدار مال را برای خدا بر خودش واجب کند

در المنجد بجزء واجب کردن مال، استعمالات دیگری نیز برای آن آورده است مثلاً:

نَذَرَ الابُّ الولد: یعنی پدر فرزندش را خادم و خدمتگذار معبد یا کلیسا قرار داد

باب افتعال این مصدر (انتذر) همان معنای ثلاثی مجردش را دارد.

اسم مصدر آن النذر به معنای خونبها و دیه است و جمع آن نذور است.

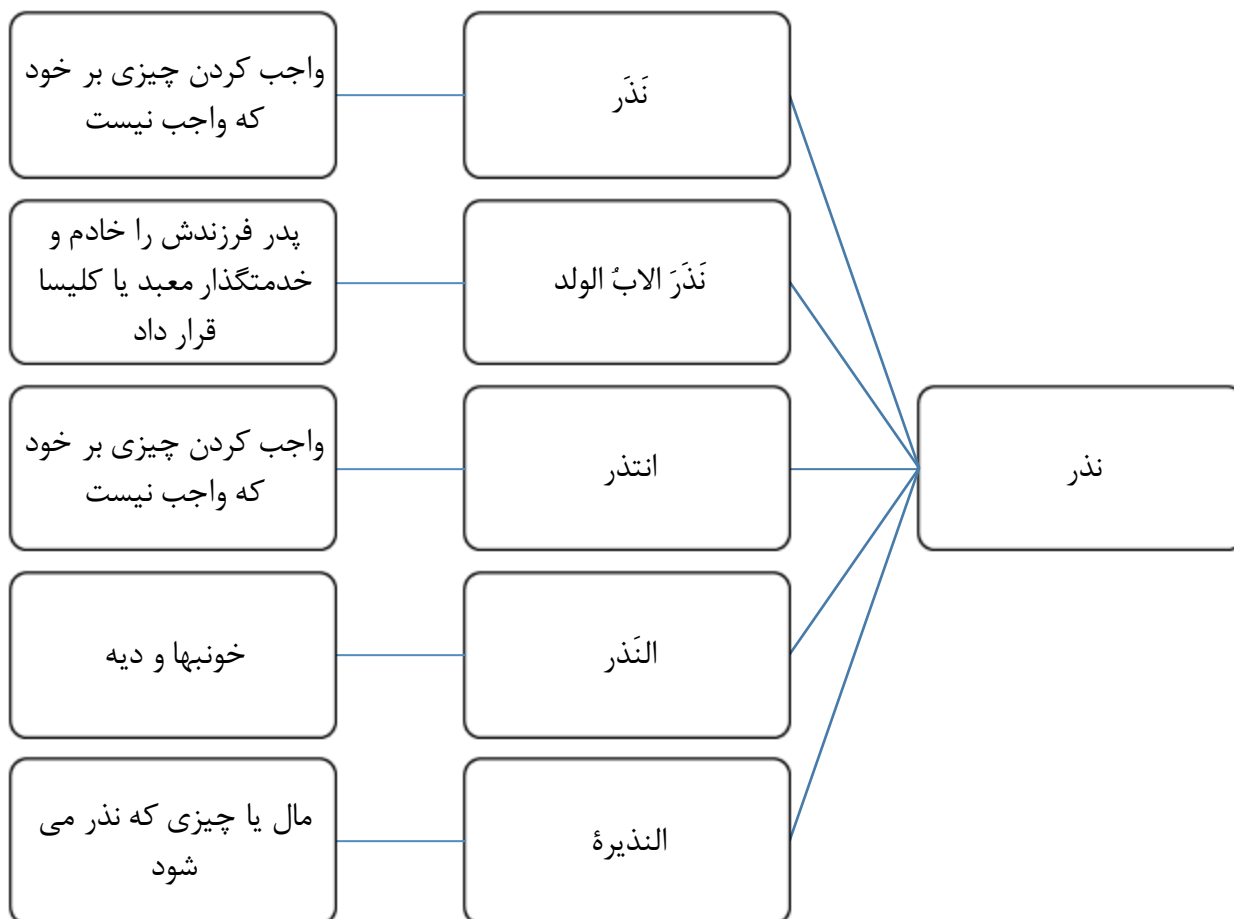
که وجه تسمیه آن می تواند این باشد که اگر کسی خسارتی به دیگری زد دیه ای که بر او واجب نبوده، واجب می شود.

قضی بالنذر: به پرداخت دیه حکم کرد

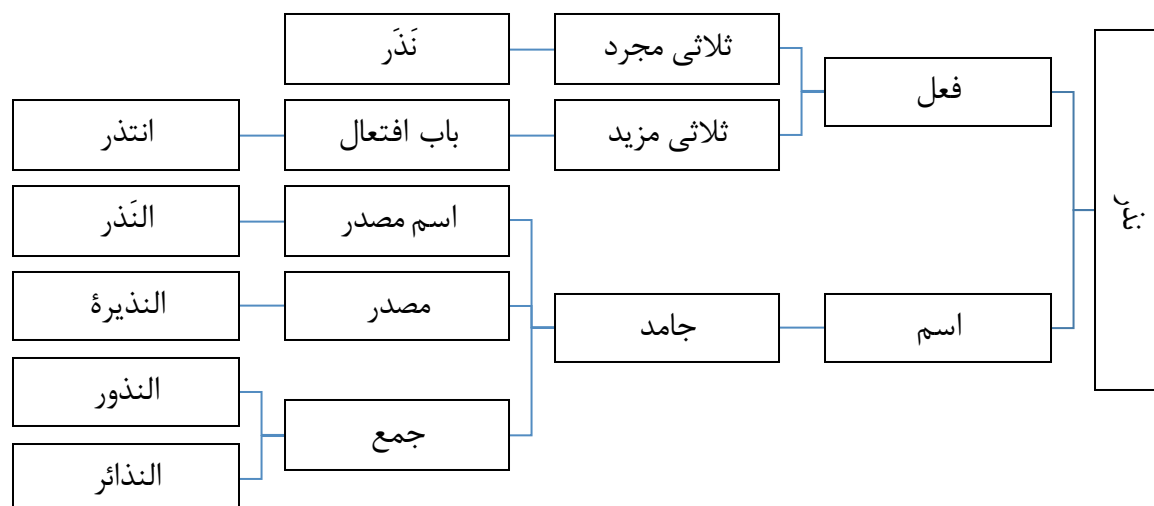
خلاصه نذر در این فضای معنایی یعنی چیزی که انسان به خاطر خدا بر خودش واجب می کند و مسیحیان هم در مورد اینکه پاکدامنی و عفت و تقوی و فرمان برداری و طاعت و فقر اختیاری پیشه کنند از این معنی استفاده کرده اند.

«النذیرة» مصدر آن نیز به معنی مال یا چیزی است که نذر میشود و جمع آن النذائر است.

نمودار معنوی



نمودار صرفی



فضای معنایی دوم:

نَذَرَ -

نُذُوراً الْجَيْشُ فُلَاناً: لشکر فلانی را طلاییه دار خود قرار داد

نَذِرَ (-) نَذراً به: آن را دانست و از آن پرهیز کرد و برای مقابله با آن آماده شد

وقتی می گویند «نذروا بالعدو» یعنی به آن علم پیدا کردند و از آن پرهیز کردند و برای مقابله با آن آماده شدند.

مصدر باب افعال آن اندر انداراً است و چهار مصدر غیر قیاسی دارد:

«نذیراً و نذراً و نُذراً و نُذراً»

انذره: او را آگاه کرد و از عواقبش بر حذر داشت.

معنای باب تفاعل آن (تناذر القوم) به معنای مشارکت این باب است

و یعنی قوم خطر و شری را به هم گوشزد کردند

تناذر العدو: همدیگر را از دشمن ترسانند یا آگاه کردند و یا وجود آن را گوشزد کردند.

اسم فاعل آن «الناذر» است

فلان ناذر الی بعینه: فلانی مرا با چشمش بیم می دهد(هنگامی که شدیداً نگاه می کند و چشمش از حلقه بیرون زده است)

النذری و النذُر و النذاره به معنی انداز است

اسم مصدر این معنی «النذیر» است که باز هم همان معنای انداز را می دهد که جمع آن نُذُر است.

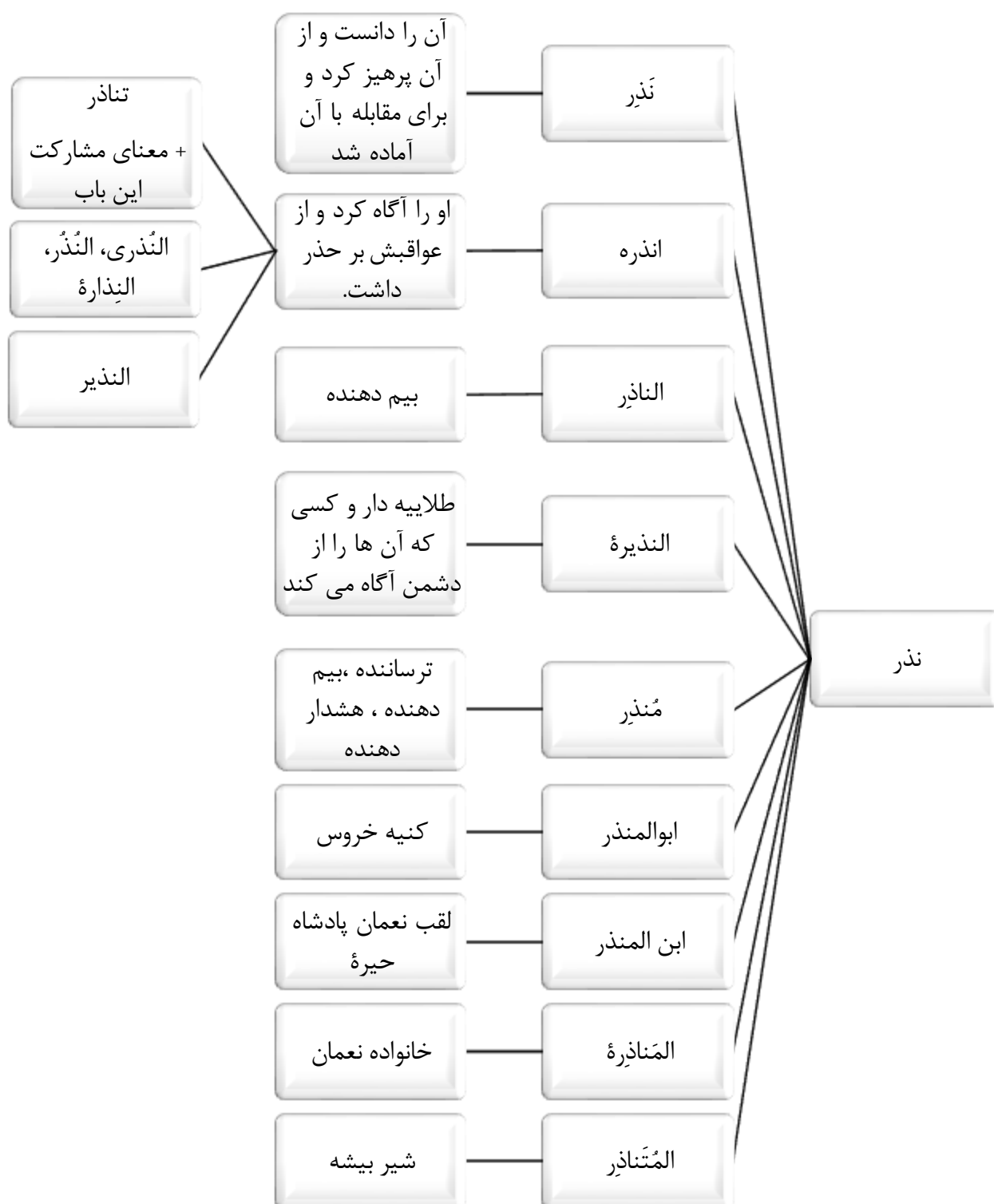
النذیره: طلاییه دار و کسی که آن ها را از دشمن آگاه می کند که جمع آن النذائر است

اسم فاعل آن مُنذِر به معنی ترساننده، بیم دهنده، هشدار دهنده است.^۲

1 آگاه کردن و از عواقب کاری بر حذر داشتن

2 المنجد-ص: 800

نمودار معنوی





بخش دوم

مقائیس اللغة

در این کتاب «نذر» به معنای ترسیدن و ترساندن گرفته شده است و «انذار» به معنی رساندن و ابلاغ مسأله است که این امر میسر نمی شود مگر در ترساندن و بیم دادن و آگاه کردن.

و النذیر، منذر، النَّذْر، النَّذْرُ به معنی چیزی که واجب می شود است.¹

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم

اصل واحد در این ماده بیم دادن و ترساندن است ولی کل بیم دادن و ترساندن به انذار نیست و مقابل بشارت دادن و وعده دادن است

النذر به معنی تعهد و التزام به عمل است که لفظ آن از زبان عبری و سریانی گرفته می شود و از نظر معنوی علاوه بر تعهد و التزام زبانی نوعی شدت و سختگیری و بر حذر داشتن دارد.

پس انذار در مرحله ابتدایی و اولیه سیر و سلوک به سمت خدا قرار دارد و به وسیله آن توجه و تمایل به سیر و سلوک محقق می شود.

و با از بین رفتن بیم دادن و بر حذر داشتن انحراف و کفر و خلاف و عذاب ثابت می شود و مرحله اول از کفر، تکذیب انذار است.

و همیشه تکذیب با انذار همراه است و در پی آن عذاب ذکر می شود و با تبشیر در مقام ابلاغ رسالت پیوسته است.²

معنای جامع

در معجم مقائیس اللغة هم مثل معجم المنجد دو معنای متفاوت ذکر کرده بود ولی در معجم التحقیق فی کلمات القرآن الکریم فقط از معنای هشدار نام برده است و در نهایت با توجه از اینکه نمی شود از معنای اول یعنی چیزی را بر خود واجب کردن ، چشم پوشی کرد؛ باید گفت ماده ((نذر)) دو معنای متفاوت دارد و نمی شود یک معنی برای آن ذکر کرد

1. چیزی که واجب نیست را بر خود واجب کردن.

2. آگاه کردن از عواقب امری و ترساندن و بر حذر داشتن از آن.

1 معجم مقائیس اللغة، ج5، ص: 414

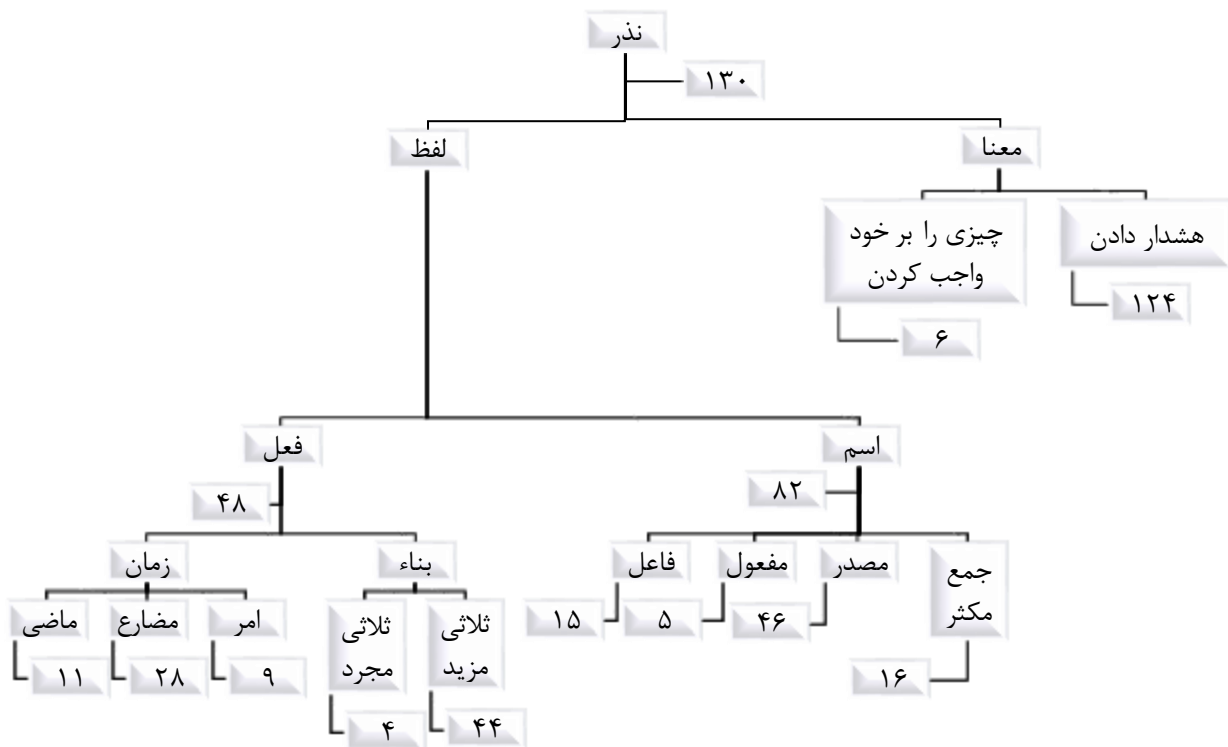
2 التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج12، ص: 75

فصل دوم

مقدمه:

ابتدا آمار استعمالات این ریشه در قرآن کریم آورده میشد و سپس نمونه هایی از استعمال آن در قرآن و روایات را می آوریم تا استعمال معانی ای که در فصل اول گفته شد واضح تر شود.

آمار استعمالات در قرآن



استعمالات قرآنی

وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ^۱

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم چه باران بدی بود باران اندازندگان!

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ^۲

بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی!

هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذِيرِ الْأُولَى^۳

این (پیامبر) بیم‌دهنده‌ای از بیم‌دهندگان پیشین است!

وَ قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ^۴

و بگو: «من اندازکننده آشکارم!»

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا^۵

آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ^۶

سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند.

وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ^۷

و هر چیزی را که انفاق می‌کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده‌اید (در راه خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می‌داند. و ستمگران یابوری ندارند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ^۸

1 الشعراء/173

2 الشعراء/194

3 النجم/56

4 الحجر/89

5 الانسان/7

6 الحج/29

7 بقره/270

8 بقره/6

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی ایمان نخواهند آورد.

استعمالات روایی

1- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أُمِّيَّةَ بِنِ عَلِيٍّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَ مَا تُعْنِي الْآيَاتُ وَ النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ قَالَ الْآيَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ وَ النَّذْرُ هُمُ الْأَنْبِيَاءُ ع.¹

داود رقی گوید، از امام صادق علیه السلام در باره قول خدای تبارک و تعالی «این آیه‌ها و بیم دادن‌ها گروهی را که مؤمن شدنی نیستند سود ندهد» پرسیدم، فرمود: آیه‌ها امامان و بیم دادن‌ها پیغمبران علیهم السلام میباشند.²

2- وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفَلُّجُوا فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لَحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لِعَايَةُ عَلِمِنَا يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِ حَم وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فَإِنَّهَا لَوْلَاهُ الْأَمْرُ خَاصَّةً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ إِن مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ³ قِيلَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ نَذِيرُهَا مُحَمَّدٌ ص قَالَ صَدَقْتَ فَهَلْ كَانَ نَذِيرٌ وَ هُوَ حَيٌّ مِنْ الْبَعْتِ فِي أَفْطَارِ الْأَرْضِ فَقَالَ السَّائِلُ لَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع - أَرَأَيْتَ بَعِيثَهُ أ لَيْسَ نَذِيرُهُ كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي بَعْتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَذِيرٌ فَقَالَ بَلَى قَالَ فَكَذَلِكَ لَمْ يَمُتْ مُحَمَّدٌ إِلَّا وَ لَهُ بَعِيثٌ نَذِيرٌ قَالَ فَإِنْ قُلْتُ لَا فَقَدْ ضَيَّعَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ مِنْ أُمَّتِهِ قَالَ وَ مَا يَكْفِيهِمُ الْقُرْآنُ قَالَ بَلَى إِنْ وَجَدُوا لَهُ مُفَسِّراً قَالَ وَ مَا فَسَّرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ بَلَى قَدْ فَسَّرَهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ وَ فَسَّرَ لِلْأُمَّةِ شَأْنَ ذَلِكَ الرَّجُلِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ السَّائِلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ كَانَ هَذَا أَمْرٌ خَاصٌّ لَا يَحْتَمِلُهُ الْعَامَّةُ قَالَ أَبِي اللَّهُ أَنْ يُعْبَدَ إِلَّا سِرّاً حَتَّى يَأْتِيَ إِبْرَاهِيمُ أَجْلَهُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ دِينُهُ كَمَا أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ مَعَ خَدِيجَةَ مُسْتَتِراً حَتَّى أَمَرَ بِالْإِغْلَانِ قَالَ السَّائِلُ يَنْبَغِي لِصَاحِبِ هَذَا الدِّينِ أَنْ يَكْتُمَ قَالَ أ وَ مَا كَتَمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع يَوْمَ أَسْلَمَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُهُ قَالَ بَلَى قَالَ فَكَذَلِكَ أَمْرُنَا حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجْلَهُ.⁴

از امام باقر (ع) می‌فرمود: ای گروه شیعه، با سوره «اننا انزلناه» در لیلۀ القدر محاکمه کنید تا پیروز شوید، بخدا سوگند که این سوره حجت خدای تبارک و تعالی است بر خلقش پس از پیغمبر (ص)، به راستی آن سرور دین شما است و به راستی آن نهایت دانش ما است، ای شیعه محاکمه کنید با «حم و الکتاب المبین» اننا انزلناه فی لیلۀ مبارکۀ اننا کنا منذرین» زیرا مخصوص به والیان و متصدیان امر امامت است پس از رسول خدا

1 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 207

2 أصول الكافي / ترجمه مصطفوی، ج 1، ص: 297

3 (3) الفاطر: 22.

4 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 250

(ص)، ای گروه شیعه خدای تبارک و تعالی می فرماید (22 سوره فاطر): «هیچ امتی نیست جز آنکه در میان آن بیم دهنده‌ای در گذشته». گفته شد: ای ابو جعفر، بیم دهنده امت اسلام محمد (ص) است، فرمود: راست گفתי ولی آیا تا زنده بود نسبت به هر قطری از زمین نذیر و بیم دهنده بود جز به توسط کسانی که می فرستاد از طرف خود؟

سائل: نه، بلکه به توسط آنان انجام وظیفه بیم دادن را می کرد.

امام: بگو بدانم، آنها را که به هر قطری می فرستاد و از طرف او تبلیغ می کردند، آیا از طرف او بیم دهنده نبودند چنانچه خود رسول خدا (ص) که از طرف خدا مبعوث بودند نذیر هم بود؟

سائل: چرا فرستاده‌های او نذیر هم بودند از طرف او؟

امام: همین طور محمد از دنیا نرفت تا از طرف خود مبعوث و بیم دهنده‌ای معین کرد، فرمود: اگر بگوئی: نه، باید رسول خدا (ص) نسل آینده را که در صلب مردم بودند مهمل گذارده باشد.

سائل: آیا وجود قرآن در ارشاد و هدایت آنان بس نبود؟

امام: چرا، ولی به شرط آنکه مفسر و شارحی برای آن دریابند.

سائل: مگر خود رسول خدا (ص) آن را شرح و تفسیر نکرده بود.

امام: چرا، همه آن را برای یک شخص تفسیر کرد و به او آموخت و مقام او را برای مردم بیان کرد و آن علی بن ابی طالب (ع) بود.

سائل: این مطلب خصوصی است و از نظر شما است ولی عموم مردم آن را تحمل نکنند و نپذیرند.

امام: خدا نخواسته که پرستش شود جز محرمانه تا سرآغاز دورانی رسد که دینش در آن آشکار گردد، چنانچه مدت‌ها رسول خدا (ص) با حضرت خدیجه در نهانی مسلمانی داشتند تا دستور اعلان آن رسید.

سائل: صاحب این دین می تواند آن را نهان دارد.

امام: مگر روزی که علی (ع) با رسول خدا (ص) ایمان آورد آن را نهان نداشت تا امر نبوت آن حضرت اعلام شد؟

سائل: چرا، از دوران کودکی آن حضرت بطور نهانی مسلمانی داشت تا وقتی پیغمبر رسماً مبعوث شد.

امام: امر امامت ما هم چنین است تا مقدر در کتاب الهی بسر آید.¹

1 أصول الكافی / ترجمه کمره‌ای، ج 2، ص: 267

4- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النَّعْمَانِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ وَ رَأَى النَّاسَ بِمَكَّةَ وَ مَا يَعْمَلُونَ قَالَ فَقَالَ فِعَالٌ كَفِعَالِ الْجَاهِلِيَّةِ أَمَا وَ اللَّهُ مَا أَمَرُوا بِهِذَا وَ مَا أَمَرُوا إِلَّا أَنْ يَقْضُوا نَفْسَهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُدُورَهُمْ فَيَمُرُوا بِنَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْضُوا عَلَيْنَا نُصْرَتَهُمْ.¹

ابی عبیده گوید: شنیدم امام باقر (ع) وقتی مردم را در مکه دید و کارهای آنها را ملاحظه کرد، فرمود: این کارها به مانند کارهای دوران جاهلیت است. هلا به خدا مأمور بدان نیستند، آنچه دستور دارند این است که حج را انجام دهند و به نذر خود وفا کنند و نزد ما آیند و ولایت خود را به ما اظهار کنند و نصرت خود را در اختیار ما گذارند.²

5- أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُوْفُونَ بِالنَّذْرِ³ الَّذِي أَخَذَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَلَايَتِنَا.⁴

محمد بن فضیل از ابی الحسن (ع) در قول خدا عز و جل (6 سوره انسان): «وفا می کنند به نذر» فرمود: وفا می کنند بنذر و پیمانی که از آنها گرفته شده در ولایت ماها.⁵

6- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَوْحَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ⁶ قَالَ مَنْ بَلَغَ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَهُوَ يُنذِرُ بِالْقُرْآنِ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص.⁷

مالک جهنی گوید: به امام صادق (ع) گفتم: قول خدا عز و جل (20 سوره انعام): «به من وحی شده است این قرآن تا شما را با آن انذار کنم و هر که بدو برسد» فرمود: به هر که نوبت رسد که امامی از آل محمد (ص) باشد او به قرآن بیم دهد چنانچه رسول خدا (ص) بدان بیم داده است.⁸

1 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 392

2 أصول الكافي / ترجمه كمره‌ای، ج 3، ص: 99

3 (5) الدهر: 7.

4 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 413

5 أصول الكافي / ترجمه كمره‌ای، ج 3، ص: 169

6 (3) الأنعام: 18.

7 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 1، ص: 416

8 أصول الكافي / ترجمه كمره‌ای، ج 3، ص: 177

7- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخْلَفِ اللَّهِ¹

از هشام بن سالم، گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود:

وعده دادن مؤمن به برادرش در حکم نذری است که کفاره ندارد و هر که از آن تخلف کند، به تخلف از خدا آغاز کرده و به دشمنی او در آویخته، و این است قول خدا (2 سوره صف): «آیا آن کسانی که گرویدید چرا می گوئید آنچه را نمی کنید (3) وه چه دشمنی بزرگی دارد نزد خدا که بگوئید و نکنید»²

8- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِنَّ أُمَّي كَانَتْ جَعَلَتْ عَلَيَّ نَفْسِيهَا لِلَّهِ عَلَيْهَا نَذْرًا إِنْ كَانَ اللَّهُ رَدَّ عَلَيْهَا بَعْضَ وُلْدِهَا مِنْ شَيْءٍ كَانَتْ تَخَافُ عَلَيْهِ أَنْ تَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي يَقْدَمُ فِيهِ مَا بَقِيَتْ فَخَرَجَتْ مَعَنَا مُسَافِرَةً إِلَى مَكَّةَ فَأَشْكَلَ عَلَيْنَا لَمْ نَدْرِ أَمْ تَصُومُ أَمْ تُفْطِرُ فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ ذَلِكَ وَ أَخْبَرْتُهُ بِمَا جَعَلْتُ عَلَيَّ نَفْسِيهَا فَقَالَ لَا تَصُومُ فِي السَّفَرِ قَدْ وَضَعَ اللَّهُ عَنْهَا حَقَّهُ وَ تَصُومُ هِيَ مَا جَعَلْتُ عَلَيَّ نَفْسِيهَا قَالَ قُلْتُ مَا تَرَى إِذَا هِيَ قَدِمَتْ وَ تَرَكَتَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَرَى فِي الَّذِي نَذَرْتَ مَا تَكْرَهُ³

مادرم نذر کرده بود که اگر خداوند تعالی فرزند او را از خطر برهاند و از سفر به سلامت باز گرداند، هر ساله روز ورود او را روزه بگیرد. یک سال، مادرم در سفر مکه با ما بود تکلیف نذر او بر ما غامض ماند که آیا باید روزه بگیرد یا باید افطار کند. بعد، از ابو عبد الله صادق (ع) پرسیدم:

و نذر مادرم را برای آن سرور بازگو نمودم. ابو عبد الله گفت: در حال سفر نباید روزه بگیرد، در حالی که خداوند تعالی حق خود را در حال سفر از عهده او برمی دارد، مادرت می خواهد حقی را که خودش تعهد کرده در حال سفر ادا کند؟ من گفتم: اگر بعد از مراجعت از سفر، باز هم روزه نذر خود را ترک کند، نظر شما چیست؟ ابو عبد الله گفت: می ترسم در زندگی همان فرزندش روزگار ناخوشایندی مشاهده کند.⁴

9- رَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِنَّ ضُرَيْسًا كَانَتْ تَحْتَهُ ابْنَةُ حُمْرَانَ فَجَعَلَ لَهَا أَنْ لَا يَتَزَوَّجَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتَسَرَّى عَلَيْهَا أَبَدًا فِي حَيَاتِهَا وَ لَا بَعْدَ مَوْتِهَا عَلَيَّ أَنْ جَعَلْتُ هِيَ أَنْ لَا تَتَزَوَّجَ بَعْدَهُ وَ جَعَلَا عَلَيْهِمَا مِنَ الْحَجِّ وَ الْهَدْيِ وَ النَّذُورِ وَ كُلِّ مَالٍ لِهَمَّا يَمْلِكَانِهِ فِي الْمَسَاكِينِ وَ كُلِّ مَمْلُوكٍ لِهَمَّا حُرًّا إِنْ لَمْ يَفِ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا لِصَاحِبِهِ ثُمَّ إِنَّهُ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَذَكَرَ لَهُ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ لَابْنَةَ حُمْرَانَ حَقًّا وَ لَنْ يَحْمِلَنَا ذَلِكَ عَلَيَّ أَنْ لَا نَقُولَ الْحَقَّ أَذْهَبَ فَتَزَوَّجَ وَ تَسَرَّى فَإِنَّ ذَلِكَ لَيْسَ بِشَيْءٍ فِجَاءَ بَعْدَ ذَلِكَ فَتَسَرَّى فَوَلِدَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ أَوْلَادًا⁵

1 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 2، ص: 363

2 أصول الكافي / ترجمه كمره‌ای، ج 5، ص: 349

3 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 4، ص: 143

4 گزیده کافی، ج 3، ص: 189

5 الكافي (ط - الإسلامية)، ج 4، ص: 143

زراره گوید: ضریس با دختر حمران ازدواج کرد و قرار گذاشتند که ضریس زوجه دیگری - آزاد یا کنیز - اختیار نکند چه در حیات زوجه‌اش و چه پس از مرگ او، و در مقابل زوجه او دختر حمران پس از مرگ وی شوهر نکند و هر دو به نذر بر خود واجب کردند که اگر تخلف ورزند از حج و قربانی و نذرهای دیگر انجام دهند، و در صورت عدم وفای به شرط تمام ما یملک ایشان صدقه بر مساکین باشد و هر بنده‌ای که در ملک ایشان باشد آزاد گردد، سپس ضریس خدمت امام صادق علیه السلام رسید و قضیه را گفت؛ حضرت فرمود: هر چند دختر حمران بر ما حقی دارد لکن مانع این نمی‌شود که من حق را نگویم، برو و زن بگیر و کنیز اختیار کن که این شرط فاسد است و نذر نیز منعقد نیست و ضریس از آن پس زنی گرفت و دارای فرزند گشت.^۱

1 ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج 5، ص: 70

فصل سوم

انذار در پرتوی تبلیغ

مقدمه

اولین مطلب اینکه معنای انذار با تخویف تفاوت دارد، معنای تخویف صرف ترساندن است ولی انذار به معنی ترساندن با آگاهی دادن و گوشزد کردن عواقب عملی است مثلاً اگر کسی صدای نابهنجاری ایجاد کند و شخصی را بترساند مخوف است ولی اگر به آن شخص هشدار دهد که اگر این کار را بکنی فلان عاقبت در انتظار تو است و او را به این وسیله بترساند و آگاهی بکند، به او منذر می گویند.

مطلب بعد که لازم به ذکر دانستم این است که مبدأ انذار مقارن است با خلق اولین بشر که حضرت آدم (علیه السلام) باشد و ایشان پس از خداوند^۲ اولین منذر بوده است و در طول تاریخ باید همراه همه اقوام منذری وجود داشته باشد تا راه خدا بر همگان روشن باشد^۳ و تا زمانی که قیامت برپا شود استمرار داشته باشد.^۴ که در واقع یکی از مهمترین اهداف بعثت انبیاء و نزول وحی انذار بوده است^۵ زیرا با این شیوه تربیت الهی است که انسان ها از کارهای خطاء چشم پوشی می کنند و به سوی سیر تکامل و هدف خلقت پیش می روند، که در غیبت حجت خداوند (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر روی زمین این وظیفه بر دوش فقها و طلاب است^۶ تا مردم را بیم دهند و به این دلیل بر آن شدیم تا گوشه ای از این وظیفه بزرگ را هر چند مختصر بیان کنیم.

منذرين

گفته شد که پس از خداوند و پیامبران و در زمان غیبت حجت خداوند، علماء و فقهاء وظیفه انذار مردم جامعه خود را به دوش می کشند.

برای تصدیق سخن خود به آیه 122 سوره مبارکه توبه استناد می کنیم که خداوند (جل جلاله) می فرماید:

1 إنا كنا منذرين (الدخان/3)

2 فَأَنْذَرْتَكُمْ نَاراً تَلَطَّى (الليل/14)

3 يا أهل الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم على فترة من الرسل أن تقولوا ما جاءنا من بشيرٍ ولا نذيرٍ فقد جاءكم بشيرٌ و نذيرٌ (مائده/19)

4 وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِيُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ (انعام/19)

لا تخلو الأرض من قائمٍ لله بحجّةٍ (نهج البلاغه، حکمت 139)

5 در بسیاری از آیات قرآن بر این مطلب تأکید شده است. مانند: یونس/2، الاعراف/69، الانعام/48، نساء/165 و ...

6 فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ (توبه/122)

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ^۱

با اینکه تفقه در دین و انذار مردم واجب کفایی است ولی باید از هر قوم و منطقه ای افرادی برای شناخت اسلام به مراکز علمی سفر کنند تا به درجه فقاقت برسند و هدف از تفقه، تبلیغ و هشدار دادن و هشیار کردن مردم است.

ذکر این مطلب ضروری است که طبق این آیه هر کس می خواهد مبلغ و فقیه دینی شود باید به مراکز علمی کوچ کند و نمی تواند با خانه نشینی و در شهر خود به فقاقت برسد یا حداقل آنکه فقیه کامل نمی شود^۲ ولی برای طلاب دو سفر لازم است یکی اینکه به مراکز علمی سفر کنند و عالم دینی شوند و دوم اینکه به منطقه خود برگردند و در میان قوم خود تبلیغ کنند تا همه مناطق مبلغی داشته باشند که آن ها را بیم دهد و به سوی صراط مستقیم هدایت کند و جایز نیست که همیشه در حوزه ها بمانند و به شهر خود برگردند و حتی برای این کار نباید منتظر دعوت باشند بلکه خداوند می فرماید پس از فقاقت در دین باز میگردند و قوم خود را هشدار می دهند.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در این زمینه می فرماید:

((این چنین نباشد که [طلاب] ده سال، پانزده سال، بیست سال بگذرد و همین طور بی هدف در حوزه باشند و پای این درس و آن درس بنشینند و فسیل بشوند؛ نه فایده‌ی برای مردم، و نه فایده‌ی برای خودشان داشته باشند.))^۳

تبلیغ و انذار طلاب باید در کنار تحصیلشان باشد زیرا هدف تفقه تبلیغ است و وسیله تبلیغ انذار است^۴، ابلاغ به تنهایی کفایت نمی کند و اگر انذار در کنار آن نباشد ضمانت اجرایی ندارد مانند قوانین تمام کشورها که برای ضمانت اجرایی تکیه بر مجازات و انذار می شود و مبلغ باید هنگام تبلیغ به مردم هشدار نیز بدهد تا فرایند هدایت آنها کامل بشود.

ویژگی های مبلغ و منذر

1. استفاده از قرآن و شیوه تربیتی آن

اگر مبلغین می خواهند در هدف خود که همان هدایت انسان ها است موفق شوند باید به قرآن تمسک بجویند و آن را با دل و جان بفهمند، حتی خداوند قرآن را وسیله انذار پیامبر قرار می دهد و می فرماید به

1 توبه/122

2 امام درباره‌ی کسی که در خانه‌اش نشسته بود، فرمودند: «کیف یتفقه فی الدین؟». (تفسیر کنز الدقائق)

3 بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1380/7/1

4 هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ لِيَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (ابراهیم/52)

وسیله این قرآن انذار کن^۱ پس طلاب علوم دینی برای اثر گذاری سخنان خود به طریق اولی باید با قرآن مأنوس باشند و به جزء استفاده از آیات و تفاسیر آن، از شیوه های تربیتی آن نیز بهره بگیرند.

تبیین

بشارت و تشویق و انذار و تهدید دو اصل مهم برای تربیت انسان ها و تحرک جامعه به سمت مسیر تکامل است، بشارت به معنی تشویق و وعده دادن است و معنای انذار هم که گذشت. مثلاً اگر شما بخواهید فرزندان را به مدرسه بفرستید اول از ویژگی ها و آثار و فواید مدرسه رفتن و علم آموختن به او میگویید و بعد از خطرات و عواقب خطرناک مدرسه رفتن و بیسواد ماندن که بعد از آن چه مشکلاتی پیش می آید، بشارت شما کشاندن بچه از جلوس و انذار شما راندن او است از عقب هر دوی اینها یک عمل را انجام می دهند و وقتی هر دو با هم باشد بهترین نتیجه حاصل می شود و طرف مقابل به هدایت نزدیک تر می شود. اگر تنها به انسان ها بشارت داد موجب غفلت آنان از اشتباهایشان میشود و بر جرأت آنان نسبت به انجام گناه می افزاید و اگر تنها به انسان ها بیم داد موجب یأس و ناامیدی و عدم تحرک آنان میشود، از طرف دیگر بشارت خالی سبب اطاعت بنده از معبود نمی شود و صرفاً برای او ایجاد انگیزه می کند بخلاف انذار که عامل محرک است و طبق قاعده کلی دفع ضرر احتمالی، انسان را وادار می کند که از دستورات خداوند پیروی کند.^۲

شیوه تربیتی قرآن

1. در قرآن کریم بین بشارت و انذار موازنه عجیبی وجود دارد و طبق روایات نقل شده انسان را در حالتی میان خوف و رجا نگه می دارد^۳ و از طرفی دیگر انذار و بشارت را همراه با برانگیختن عواطف انسانی مثل خوف^۴ و خشیت^۵ و خشوع^۶ نسبت به خداوند تبیین می کند و محبت^۷، شوق و امید^۸ را در دل آن ها پرورش می دهد.

2. انذار و بشارت در قرآن کاربرد های متعددی دارد. برای برخی ها بشارت به روح و رضوان و ریحان داده شده است و برای برخی ها به خوراکی های لذیذ و باغ و ...^۹

1 كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَ ذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (اعراف/2)

وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وِليٌّ وَ لَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (انعام/51)

2 البته این در مورد عوام است و خواص خداوند را از جهت محبتی که به او دارند عبادت می کنند، نه به طمع بهشت و ترس از جهنم ...

3 خیرالاعمال اعتدال الرجاء و الخوف. (غررالحکم، فصل 4، ص 156)

4 و لمن خاف مقام ربه جنتان. (سوره الرحمن، آیه 46)

5 أما أنت منذر من یخشاها. (سوره نازعات، آیه 45)

6 ألم یأمن للذین آمنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله. (سوره حدید، آیه 16)

7 و الذین آمنوا أشد حبا لله. (سوره بقره، آیه 165)

8 إن الذین آمنوا ... أولئک یرجون رحمت الله. (سوره بقره، آیه 218)

9 وَ فَآکِهَهُمْ مِمَّا یَتَخَبَّرُونَ * وَ لَحْمٍ طَیْرٍ مِمَّا یَشْتَهُونَ * وَ حُورٍ عِینٍ * کَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ * جزاء بما کانتوا یعملون (الواقعه/20-24)

و برای بعضی ها از عذاب دنیوی گفته شده است و برخی از عذاب اخروی.^۱

3. از سنت های الهی این است که خداوند و پیامبران اول انذار میکنند و نهایت تلاش را برای هدایت انسان ها انجام می دهند و اگر نتیجه ای نداد و همچنان عناد ورزیدند مورد خشم و قهر پروردگار قرار می گیرند.^۲ مبلغ باید این نکات بسیار دقیق و ظریف قرآن را به کار بگیرد تا بتواند بیشترین بهره را ببرد، علاوه بر اینکه باید در انذار و تبشیر به پیروی از قرآن موازنه را رعایت کند و به سبک خاصی آنها را بیان کند، باید با هر شخص طبق روحیات و استعدادهایش رفتار کند و به او هشدار دهد، برخی ها را باید انذار دنیایی داد و آن ها را از عواقب و خطرات اعمالشان در دنیا آگاه ساخت^۳ و برخی دیگر را باید نسبت به عواقب آن جهانی اعمالشان بیم داد و عذاب ها و سختی های آخرت را به آن ها یادآوری کرد^۴ و این هنر قرآن و مبلغین است که با هر کس به فراخور روحیاتش رفتار کنند و سبب هدایت او بشوند و اگر در نهایت نتیجه نداد از شیوه بعدی که هدایت به روش قهر و غضب و نشان دادن خشم است استفاده کنند.

2. لحن انذار

1. در بحث های منطقی باید ملایمت و نرمی در گفتار و کردار در دستور کار قرار بگیرد زیرا سلاح منطق و استدلال به مراتب برنده تر از خشم و غضب است.

برای جذب قلبها و عقل ها به سوی حق هیچ سلاحی بهتر از نرمی و ملایمت و خوش خلقی نیست به همین دلیل است خداوند به حضرت موسی می فرماید اگر می خواهی انذار تو در قلب سخت فرعون نفوذ کند با ملایمت و نرمی با او سخن بگو^۵ و یا خداوند عامل موفقیت و جذابیت پیامبر اسلام را همین مطلب بیان میکند.^۶

2. در قرآن خداوند وقتی می خواهد آیات انذار و عذاب را بیان کند، آیات کوتاه پشت سر یک دیگر با سجع هایی که آهنگ خاصی به آن میدهد که انگار فشار و تندی خاصی دارد روح را تحت تأثیر قرار می دهد و مجال هرگونه فراری را از او میگیرد.

و الطَّورِ. وَ كِتَابٍ مَسْطُورٍ. فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ. وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ. وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ. وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ. مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا^۷

3. مبلغ و انذار کننده باید در ابلاغ کلام خدا و انذار مردم محکم و قاطع باشد و ملاحظه بهانه های مردم را نکند، و در گفتار به جای اینکه بگوید تو چنین هستی بگوید شاید، مبدا چنین باشی و او مأمور به وظیفه

1 اخلاق اسلامی (دیلمی، احمد)؛ ص 188

2 فَكَذَّبُوهُ فَتَبَايَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكَ وَ جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَدْرِبِينَ (يونس/73)

3 إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (نوح/1)

4 لَأَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِنْ رَقُومٍ*فَمَالِؤُنَّ مِنْهَا الْبُطُونَ*فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ*شَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ*هذا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (الواقعه/52-56)

5 قُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى. (طه / 44)

6 فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتُ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُ فَظًّا فَظًّا غَلِيظًا غَلِيظًا لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران / 159)

7 طور/1-10

است نه نتیجه که در آیه 12 سوره هود خداوند می فرماید تو فقط انذارکننده ای و انذار کن و بقیه ی کارها را بخدا واگذار و تو مسئول انذار مردمی نه اجبار مردم به ایمان آوردن¹

تنبیه

مبلغ در هنگام تبلیغ و انذار باید کمال توجه را داشته باشد تا مخاطب دچار تنفیر نشود، تنفیر به معنای ایجاد نفرت است. مثلاً مبلغ اگر بجای استفاده از روش های بالا نوعی های و هوی کند و به جای اینکه او به سمت هدایت حرکت کند نفرتی در دلش نسبت به این راه بوجود میآید و دیگر به این سخن ها گوش فرا نمی دهد چه برسد که در دلش اثر بگذارد و از بین بردن این نفرت هم کار مشکلی است، خلاصه انذار ریزه کاری های خاصی دارد که به بعضی از آن ها در این مقاله پرداخته شد و مبلغ اگر آنها را رعایت نکند موجب آثار زیان بار غیر قابل جبران است.

3. مراحل انذار

الف) انذار نزدیکان

بدون شک برای شروع یک حرکت بزرگ باید اول از خود و بعد از اطرافیان و حلقه های کوچک تر شروع کرد تا به حلقه های بزرگ تر برسد، همانطور که خداوند در اولین روزهای بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به ایشان فرمود:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ²

به چند دلیل مبلغ انذار را باید از خویشاوندان نزدیک شروع کرد:

1. هشدار به نزدیکان سبب می شود دیگران راحت تر دعوت را بپذیرند و می گویند: این حرف ها را به بستگان خود نیز میزند

2. در بین بستگان به دلیل شناخت بیشتر و اعتماد زمینه پذیرش سخنان منذر بیشتر است

3. در همان گام اول نشان میدهد که در مسلک وی تبعیض وجود ندارد همه در برابر قوانین خداوند یکسان اند.

ب) انذار مراکز مهم

برای تبلیغ و کار فرهنگی محل زندگی انسان نسبت به مکان های دیگر در اولویت است.³ به علاوه انذار را باید از مراکز مهم و استراتژیک شروع کرد، شاید تبلیغ در روستایی دور افتاده در مرحله دوم زیاد حائز

1 قَلْعَكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كُتُبًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (هود/12)

2 شعراء/214

3 وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبه/122)

اهمیت نباشد زیرا اگر بتوان شهرهای بزرگ و افراد تأثیر گذار را هدایت نمود خود به خود هدایت جامعه با سرعت بیشتر انجام خواهد شد.

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ^۱

ج) دعوت جهانی

با اینکه بهتر است دعوت و انذار بمنظور هدایت یافتن مردم از مراکز مهم شروع شود ولی به هیچ وجه دعوت اسلام منحصر به آن نیست و یک دعوت جهانی است برای تمام کسانی که این دعوت به آنان ابلاغ می شود، خواه با هر نژاد و زبانی و در هر زمان و مکانی باشد با ابلاغ دعوت و انذار به برنامه صحیح زندگی دست پیدا میکند و باید آن را بپذیرد مگر اینکه عناد بورزد و تصمیم گرفته باشد هرگز اسلام نیاورد.

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَ إِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ^۲

نکته پایانی

خداوند پیامبران را موظف کرده است که به وسیله وحی مردم را انذار کنند^۳، به طریق اولی طلاب و مبلغین باید در این مسئله مهم (انذار) از اظهار نظر شخصی و تفسیر بالرأی بپرهیزند و تا خود به آن ها اعتقاد قلبی نداشته باشد و عمل نکند، انذار او تأثیر لازم را نخواهد داشت ولی با این وجود اگر نکات این مقاله را بکار گرفت و نتیجه نگرفت به این دلیل است که طرف مقابل قابلیت آن را ندارد، برخی از افراد چشم و گوش خود را می بندند و با عناد دعوت حق را نمی پذیرند^۴ و بی اثر بودن تبلیغ از جهت بی قابلیت بودن آن هاست نه کاستی مبلغ...

نتیجه گیری

1. یکی از مهمترین اهداف طلبه تبلیغ است که تبلیغ به جز به وسیله انذار میسر نیست.
2. مبلغ اگر از قرآن در انذار استفاده نکند نمی تواند رسالتش را به طور کامل انجام دهد.
3. مبلغ اگر به ریزه کاری های انذار که برخی از آن ها در مقاله بیان شد توجه نداشته باشد، ممکن است تبعات خطرناکی را بوجود آورد.
4. مبلغ باید انذار را از خانواده و شهرهای مهم شروع کند و پس از آن انذار را جهانی کند.

¹ انعام/92

² انعام/19

³ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمْعُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (انبیاء/ 45)

⁴ همان

کلمات کلیدی

1-انذار

2-تبلیغ

3-مبلغ

4-قرآن

5-منذر

6-نذیر

فهرست منابع و مآخذ

کتب

1.قرآن کریم

2.قرائتی، محسن، تفسیر نور، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، سال 1383، ایران، تهران.

3.مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، سال 1374، ایران، تهران.

4.موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، سال 1374، ایران، قم.

5. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه - قم، چاپ: دوم، 1413 ق.

6. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه - تهران، چاپ: اول، 1367 ش.

7. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

8. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی - تهران، چاپ: اول، 1369 ش.

9. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی / ترجمه کمره‌ای - ایران؛ قم، چاپ: سوم، 1375 ش.

10. کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی - تهران، چاپ: اول، 1363 ش.

11. دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، انتشارات معارف، چاپ دوم، سال 1380، ایران، قم.

12. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی

نرم افزارها

کتابخانه دیجیتال نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری.

www.noorsoft.org